

بررسی رشد وندهای صرفی و

پیوندهای ساختی در گفتار پیشرفتی کودک

مهدی مشکوةالدینی

دانشگاه فردوسی مشهد



۱ گذر به گفتار دستوری

گفتار تک‌واژه‌ای و نیز گفتار تلگرافی یا مقطّع به ترتیب دو مرحله آغازی تظاهر زبان و گفتار کودک است. گفتار تک‌واژه‌ای کودک از حدود هجده ماهگی ظاهر می‌شود و تا حدود نوزده ماهگی ادامه می‌یابد. سپس گفتار مقطّع از حدود نوزده ماهگی آغاز می‌گردد و تا حدود سی ماهگی ادامه می‌یابد. گفتار مقطّع کودک در آغاز به صورت دوواژه‌ای است و سپس در حدود بیست و چهار ماهگی به صورت سه واژه‌ای و پس از آن با رشته واژه‌های بیشتر نیز تولید می‌شود. معمولاً از حدود سن بیست و چهار ماهگی هنگامی که کودک تولید گفتار چند واژه‌ای را آغاز می‌کند، به تدریج عناصر یا وندهای صرفی و همچنین پیوندهای ساختی واژه‌ها به صورت گروهها و نیز پیوند ساختی گروهها برای تولید جمله در گفتارش ظاهر می‌گردد. از سن یاد شده تا حدود نیمه دوم سال پنجم پس از تولد، یعنی در طول حدود دو سال و نیم، تقریباً همه عناصر صرفی و پیوندهای ساختی در گفتار کودک به خوبی مشخص می‌شود. (رک. مک نیل ۱۹۶۶: ۶۲-۱۵؛ برین ۱۹۷۱؛ ردفورد ۱۹۹۰: ۴۳-۲۰ و ۲۳۹-۲۶۲).

کودک در دو مرحله گفتار آغازی، هنگامی که به ترتیب گفتار تک‌واژه‌ای و سپس گفتار مقطع تولید می‌کند، هنوز بر عناصر یا وندهای صرفی و نیز پیوندهای ساختی واژه‌ها تسلط ندارد؛ به این معنی که در صورتهای گفتاری تک‌واژه‌ای و گفتار مقطع، ویژگیهای صرفی و در نتیجه دسته واژه‌ها یا مقوله‌های واژگانی (دستوری) مشاهده نمی‌شود. بنابراین، روشن است که کودک در دوره گفتار آغازی در به کارگیری ویژگیهای دسته واژه‌ها و همچنین کارکردها و پیوندهای ساختی واژه‌ها مهارت ندارد. به همین سبب، به این لحاظ که در گفتار آغازی کودک، ویژگیهای صرفی دسته واژه‌ها یا مقوله‌های واژگانی مشاهده نمی‌شود، نمی‌توان در آن به آسانی و به طور مشخص دسته واژه‌ها یا مقوله‌های واژگانی اسم، فعل، صفت و جز اینها را مشخص کرد (رک. ماراتسوس ۱۹۸۲: ۲۴۸؛ گرینفیلد و مؤلفان همکار، ۱۹۸۵؛ برمن ۱۹۸۸: ۵۱؛ مشکوة‌الدینی ۱۳۸۰).

با این حال، تلاش ناخودآگاه کودک برای سازماندهی واژه‌ها به درون دسته واژه‌ها و همچنین تنظیم آنها در پیوندهای ساختی ابتدایی، زمینه‌سازی ذهنی او را برای فراگیری دسته واژه‌ها یا مقوله‌های واژگانی از راه به کارگیری وندها یا عناصر صرفی و نیز پیوندهای ساختی یا نحوی نشان می‌دهد. بر پایه ملاحظات یاد شده در بالا، برای مشخص کردن چگونگی روند شکل‌گیری گفتار و نیز دستور زبان در ذهن کودک، لازم است دو ویژگی دستوری عمده یاد شده، یعنی چگونگی مراحل ظاهر شدن وندهای صرفی دسته واژه‌ها و نیز واژه‌های نقشی و پیوندهای ساختی در گفتار کودک مشاهده و بررسی شود. دو معیار ساختاری صرفی و پیوندهای ساختی یا نحوی که زبان‌شناسان نیز برای تعیین نظام دسته واژه‌ها و پیوندهای ساختی (گروهی) مورد توجه قرار می‌دهند، در بررسی رشد وندهای صرفی دسته واژه‌ها و همچنین واژه‌های نقشی و پیوندهای ساختی در گفتار پیشرفتی کودک بسیار اساسی است (رک. ردفورد ۱۹۹۰: ۲۳-۳۴). در واقع، عنوان «گفتار پیشرفتی کودک» بیانگر همین روند رشد عناصر صرفی و پیوندهای ساختی در گفتار کودک در مرحله یاد شده است.

۲ رشد وندهای صرفی و پیوندهای ساختی

برای بررسی رشد عناصر یا وندهای صرفی که بر پایه آن واژه‌ها به دسته‌ها یا مقوله‌های دستوری تخصیص می‌یابد، لازم است چگونگی و ترتیب ظاهر شدن آنها در گفتار کودک مورد مشاهده و تحلیل قرار گیرد. ظاهر شدن وندهای صرفی در گفتار کودک این واقعیت را نشان می‌دهد که او مقوله‌های واژگانی را فراگرفته است (برای آگاهی از دسته‌ها یا مقوله‌های واژگانی و عناصر تصریفی در زبان فارسی، رک. مشکوة‌الدینی ۱۳۷۹ ب).

ممکن است این پرسش پیش بیاید که چرا باید فرض شود که فراگیری وندهای صرفی گواهی بر ظاهرشدن مقوله‌های واژگانی در گفتار کودک است و چرا فرض نشود که ظاهرشدن وندهای صرفی نشانگر تسلط کودک بر مقوله‌های واژگانی است که او پیشتر فراگرفته است. پاسخ عمده به پرسش یاد شده این است که مشاهده صورتهای صرفی قاعده‌مند ولی نادرست در گفتار کودک گواهی بر آگاهی ضمنی (یا غیرصریح) او بر وندهای صرفی و مقوله‌های واژگانی است؛ به این معنی که صورتهای صرفی‌ای که کودک از راه تعمیم نادرست تولید می‌کند، نشان می‌دهد که وندها و مقوله‌های واژگانی را فراگرفته، هر چند که همچنین نشان‌دهنده عدم تسلط او بر آنهاست. از جمله، مثلاً کودک فارسی زبان در روند رشد گفتار فرا می‌گیرد که «-ید» /id/ وند صرفی نشانهٔ ماضی، و نیز «نویس» و «کار» («کاشتن») پایه واژه فعل است. ممکن است کودک بر پایه همین آگاهیهای ضمنی، صورتهای صرفی نادرست «نویسید» و «کاریدم» و جز اینها را تولید کند (از نمونه‌های گفتاری مورد مشاهده نگارنده). پدیده یاد شده نشان می‌دهد که کودک از وندهای صرفی و مقوله‌های واژگانی آگاهی ضمنی یافته هر چند که در کاربرد درست آنها هنوز مهارت کافی کسب نکرده است. بنابراین، می‌توان فرض کرد که ظاهرشدن وندهای صرفی در گفتار کودک گواهی کافی بر آگاهی ضمنی او از مقوله‌های واژگانی است (رک. ردفورد ۱۹۹۰: ۲۵).

روشن است که برای اطمینان از آگاهی ضمنی کودک از عناصر صرفی و مقوله‌های واژگانی، لازم است چند شرط برآورده شود. از جمله یکی آن است که کودک وند یا وندهای صرفی مربوط را به بسیاری از واژه‌های متعلق به یک مقوله بیفزاید و به کار ببرد؛ به این معنی که تنها به کارگیری واژه‌ها یا عبارتهای ثابت فراگرفته با وندهای صرفی خاص نمی‌تواند گواه بر آگاهی ضمنی او از آن وندها یا مقوله‌های واژگانی باشد. به بیان دیگر، تنها هنگامی که کودک وندهای صرفی را به طور فعال یا زایا به کار می‌برد مشخص می‌شود که آنها را فراگرفته است. شرط دوم آن است که کودک باید وندها را از روی انتخاب و اختیار به کار ببرد؛ به این معنی که مثلاً وندهای صرفی اسم را تنها به پایه واژه‌های اسم یا وندهای صرفی فعل را تنها به پایه واژه‌های فعل بیفزاید و هیچ‌گاه آنها را با پایه واژه‌های نامربوط به کار نبرد.

شرط سوم آن است که کودک وندها را برپایهٔ تباین و تشخیص و تمایز معنایی آنها به کار ببرد، به این معنی که مثلاً کودک با فعل بامفهوم اول شخص مفرد تنها شناسهٔ اول شخص مفرد را به کار ببرد و شناسهٔ دیگری، مثلاً دوم شخص یا سوم شخص را به فعل نیفزاید. به بیان دیگر، تنها هنگامی که کودک وندهای صرفی را به طور درست در هر بافتی که لازم است به کار ببرد معلوم می‌شود که آنها را فراگرفته است.

روشن است که باید میان فراگیری و تسلط تمایز گذارده شود. چنانکه اشاره شد، شرط لازم برای فرض فراگیری وندهای صرفی آن است که کودک آنها را به طور فعال به کار ببرد، به گونه‌ای که آنها را تنها به مقوله‌های واژگانی مربوط بیفزاید. شرط دقیق‌تر دیگری که برای تشخیص تسلط کودک بر وندهای صرفی لازم است آن است که هر وند صرفی در گفتار او به طور فعال و درست همواره به پایه واژه‌های مربوط افزوده شود و تنها با همان پایه واژه‌ها به کار رود؛ به این معنی که اگر کودک مثلاً نشانهٔ جمع را در بافت جمع گاهی به کار ببرد و گاهی به کار نبرد، برای مثال گاهی به جای «درختها»، «درخت» بگوید، ولی هیچ‌گاه آن را با صفت به کار نبرد، مثلاً صورت نادرست و «* این درختها بلنדהا» را نگوید (نشانهٔ * به معنی صورتی است که به کار نمی‌رود یا نادرست است)، همین میزان به کارگیری برای تشخیص این که کودک وند صرفی جمع را فراگرفته کافی است، اما این میزان نشان‌دهندهٔ تسلط نیست. برای تشخیص تسلط کودک بر وندهای صرفی لازم است معلوم شود که کودک تقریباً همواره صورت درست مثلاً «درختها» را در همهٔ بافتهای جمع به کار می‌برد و هیچ‌گاه صورت مفرد یعنی «درخت» را به جای «درختها» به کار نمی‌برد. البته لازم است به این نکته توجه شود که به سبب برخی مشکلات تلفظی کودک، ممکن است برخی صداهای پایانی به خوبی تولید نشود و در نتیجه، از جمله وند صرفی پایانی به خوبی ظاهر نگردد (براین ۱۹۸۶: ۱۴۲؛ مشکوة‌الدینی ۱۳۷۹ الف: ۱۳۱). بنابراین، مفهوم تسلط آن است که کودک در بیشتر موارد، وند صرفی مربوط را به کار ببرد، هر چند که در موارد کمی، در حدود ده درصد، آن را به کار نبرد. براین پایه، در حدود ۹۰ درصد کاربرد درست هر وند صرفی را می‌توان آستانهٔ تسلط کودک فرض کرد.

۳ روند رشد و تربیت ظاهرشدن وندهای صرفی، واژه‌های نقشی و پیوندهای ساختی در گفتار کودک

برپایهٔ مشاهدات پژوهشگران رشد زبان (رک. براون ۱۹۷۳، گارتون و پرت ۱۹۸۹: ۸۵-۸۴) و نیز مشاهدات و بررسیهای نگارنده که در زیر به آن اشاره خواهد شد، عناصر صرفی و واژه‌های نقشی معمولاً از حدود سن دو سالگی به تدریج در گفتار کودک ظاهر می‌شود و تا حدود سن پنج سالگی همراه با پیوندهای ساختی واژه‌ها به کار برد فعال می‌رسد و کودک را در مهارت جمله‌سازی توانا می‌سازد. هر چند که مشاهدات مستمر پژوهشگران نشان می‌دهد که روند و تربیت ظاهرشدن و رشد وندهای صرفی و واژه‌های نقشی در گفتار هر کودک نسبت به کودکان دیگر کاملاً یکسان نیست، با این حال به نظر می‌رسد که تا میزان زیادی ترتیب فراگیری آنها را می‌توان مشخص کرد (رک. همان مرجعها). در این پژوهش، روند رشد و ترتیب ظاهرشدن وندهای صرفی، واژه‌های نقشی و پیوندهای

ساختی واژه‌ها و گروه‌ها در جمله، در گفتار دو کودک فارسی زبان به نامهای «علی» و «روزبه» (به ترتیب فرزند و نوه نگارنده) از بیست و سه ماهگی تا سن چهل و دو ماهگی، بررسی، تحلیل و مشخص شده است. نمونه‌های گفتاری دو کودک یادشده پیشتر به طور همزمان با تولید گفتار هر یک از دو کودک یادشده، به توسط نگارنده در صحنه ثبت شده است. با توجه به تفاوت زمانی در حدود دست کم یک ماه در روند رشد گفتار، ظاهرشدن وندهای صرفی و واژه‌های نقشی و پیوندهای ساختی، به ترتیب در طول زمانی دو ماهه در دوره سنی یاد شده، بررسی و تعیین گردیده و به همان ترتیب زمانی در جدولهای (۱) تا (۸) نشان داده شده است. در پیوست به دنبال جدولهای یاده شده، نمونه‌های گفتاری دو کودک نام برده نیز ارائه شده است. هر چند ممکن است روند رشد وندهای صرفی و پیوندهای ساختی در گفتار کودکان همزمان کاملاً یکسان نباشد، با این حال، بیشتر پژوهشگران رشد زبان و گفتار کودک معتقدند که بر پایه مشاهدات مربوط، روند رشد دستوری یاد شده تا حدود زیادی مراحل مشابهی را نشان می‌دهد (رک. لیتل وود ۱۹۸۴: ۱۲-۹؛ الیوت ۱۹۸۱: ۱۰۹-۱۰۲ و ۱۲۸-۱۱۴).

از سن ۴۲ ماهگی تا یک سال بعد، یعنی هنگامی که کودک به مرحله گفتار ثابت وارد می‌شود، تقریباً همه عناصر صرفی و پیوندهای ساختی اصلی یا هسته‌ای به طور زایا و فعال در گفتارش به کار می‌رود؛ به این معنی که گفتار پیشرفتی تا حدود سن پنج سالگی به طول می‌انجامد، هر چند که کودک از آغاز سن پنج سالگی تقریباً هر جمله‌ای را که بخواهد به خوبی و به صورت درست تولید می‌کند. به علاوه، از سن یاد شده، واژگان کودک متناسب با محیط اجتماعی او گسترش می‌یابد. از آغاز سن پنج سالگی، کودک تقریباً به عنوان فرد بومی زبان سخن می‌گوید؛ به این معنی که مفاهیم، نیازها، خواسته‌ها و احساس خود را می‌تواند بیان نماید و به علاوه گفته‌های عادی دیگر سخنگویان را نیز درک کند. در واقع، از حدود سن پنج سالگی، کودک به عنوان سخنگوی بومی زبان به مرحله گفتار ثابت می‌رسد؛ به این معنی که کودک واژگان محیط و پیوندهای ساختی اصلی واژه‌ها و گروه‌ها را برای تولید جمله، به عنوان دانش دستوری ناخودآگاه، فرا گرفته است. از آن پس، کودک از راه ارتباط زبانی گسترده‌تر و نیز از راه سوادآموزی و فراگیری مهارتهای زبانی و نیز گسترش آنها در دوره‌های بعد بر به کارگیری ماهرانه زبان در ارتباطهای اجتماعی تسلط می‌یابد (رک. گارتون و پرت ۱۹۸۹: ۱۲۴-۱۰۴؛ مشکوة‌الدینی ۱۳۷۹ الف: ۱۳۲-۱۱۱ و ۱۷۱-۱۴۵).

| روند رشد وندهای صرفی، واژه‌ها و پیوندهای ساختی | |
|--|--|
| <p>۲۳-۲۴ ماهگی</p> <p>عناصر صرفی</p> <p>– پیشوند فعل امر «بی» /be/bo/ «بی» /bi/؛ – صورت فعل ماضی سوم شخص مفرد با شناسه صفر ϕ؛ – پیشوند فعل امر منفی «ن» /na/؛ – شناسه اول شخص مفرد «م»؛ – حرف اشاره به دور، «آن»؛ – پیشوند فعل حال «می» /mi/؛ – پیشوند فعل حال منفی «نمی» /nemi/؛ – پیشوند فعل حال التزامی «بی»؛ – رابط واژه بست «ه/ه» /e/ (صورت گفتار غیررسمی یا عادی، برابر صورت رسمی، «است» /ast/)؛ – پیشوند فعل امر منفی (نهی) «ن» /na/؛ – رابط واژه بست دوم شخص مفرد «ی» /i/؛</p> | |
| <p>واژه‌های دستوری و نقشی</p> <p>– ضمیر اشاره به دور «اون» /un/ (صورت گفتار غیررسمی یا معمولی، برابر صورت رسمی «آن» /ân/)؛ – واژه پرسشی «کو» در صورت «کوش؟»؛ – ضمیر اول شخص مفرد «من» /man/؛ – ضمیر دوم شخص مفرد «تو» /to/؛</p> | |
| <p>پیوندهای ساختی</p> <p>جمله امری مثبت / منفی</p> <p>جمله اخباری با ساخت</p> <p>[نهاد گروه اسمی]</p> <p>{ گروه صفتی } + رابط واژه بست</p> <p>{ گروه اسم } + [مفعول گروه اسمی] + [فعل]</p> <p>[فعل] + [گروه اسمی قید]</p> | |
| <p>۲۵-۲۶ ماهگی</p> <p>عناصر صرفی</p> <p>– شناسه دوم شخص مفرد «ی» /i/؛ – شناسه سوم شخص مفرد، صورت گفتاری «ه/ه» /e/؛ – ضمیر متصل سوم شخص مفرد «ش»؛</p> | |
| <p>واژه‌های دستوری و نقشی</p> <p>– حرف اشاره به نزدیک «این»؛ – واژه‌های قید تاکید «هم»، «بله»، «چرا»، «خب [خوب]»؛ – صورت فعل ماضی ساده اول شخص و دوم شخص مفرد؛ – فعل معین «دارم، داری، داره» در فعل حال استمراری جریانی؛ – واژه عدد «یک»؛ – ضمیر تاکیدی «خودم»؛</p> | |

| | |
|--|--|
| روند رشد وندهای صرفی، واژه‌ها و پیوندهای ساختی | |
| واژه‌های دستوری و نقشی | <p>– فعل رابط تغییری «شدن»؛</p> <p>– فعل معین «خواستن» با مفهوم «در حال، نزدیک به»؛</p> <p>– ضمیر مشترک ملکی «مال»؛</p> <p>– صورتهای منفی فعل حال «بودن»، «نیستم»، «نیستی»؛</p> <p>– صورت فعل حال منفی اول شخص؛</p> <p>– فعلهای پیشوندی «در آوردن»، «وردآستن» [برداشتن]؛</p> |
| پیوندهای ساختی | <p>– فعلهای مرکب «دوست داشتن»، «کار کردن»، «درست کردن»؛</p> <p>– جمله مرکب با بند متمم فعل؛</p> <p>– جمله مرکب همپایه؛</p> <p>– جمله مرکب با بند قید منظور.</p> |
| ۲۷-۲۸ ماهگی | |
| عناصر صرفی | <p>– ضمیرهای متصل «-م»، «-ت»، «-ش»؛</p> <p>– کسره اضافه «-ی»؛</p> <p>– واژه بست «-و» صورت گفتاری حرف نشانه «را»؛</p> <p>– نشانه جمع اسم «-ا»؛</p> <p>– نشانه معرفه گفتاری «-ه/ا»؛</p> |
| واژه‌های دستوری و نقشی | <p>– حرف نشانه «ره» [را] در «توره به خدا»، «لُو» [را]؛</p> <p>– واژه قید تاکید مثبت «آره» [آری]؛</p> <p>– واژه قید منفی «نه»؛</p> <p>– حروف اضافه «پیش»، «مثل»، «از»، «عامل»، «با»، «تو» («داخل»، «زیر»، «رو» [روی]، «تو» («میان»، «تو» («در»))؛</p> <p>– واژه‌های قید زمان «حالا»، «زود»، «دیگه» [دیگر]؛</p> <p>– واژه قید درجه «محکم»؛</p> <p>– واژه پرسشی مکانی «کجا»؛</p> <p>– واژه پرسشی گفتاری «ها»؛</p> <p>– حرف اشاره به نزدیک تاکید «همین»؛</p> <p>– صورت فعل ماضی نقلی سوم شخص مفرد «صورت صنت مفعولی» / «صفت مفعولی + است»؛</p> <p>– صورت «حرف اضافه + ضمیر متصل» «بهت [به] ات»؛</p> <p>– صورت فعل حال التزامی اول شخص و سوم شخص مفرد مثبت؛</p> <p>– صورت فعل حال التزامی دوم شخص منفی؛</p> <p>– واژه‌های عدد «یک، دو، سه، چهار، پنج، شش».</p> |
| پیوندهای ساختی | <p>– فعلهای مرکب، «راه رفتن»، «سوار + ی + گروه اسمی + شدن»، «گوش کردن»، «فکر کردن»، «درد گرفتن»، «دست زدن»، «بیدار کردن»، «بازی کردن»، «دنبال آمدن»؛</p> |

| | |
|--|--|
| روند رشد وندهای صرفی، واژه‌ها و پیوندهای ساختی | |
| واژه‌های دستوری و نقشی | <p>[به دنبال آمدن]؛ «کنار رفتن»؛ «نکان خوردن»؛ «رانندگی کردن»؛ «نگاه کردن»؛</p> <p>– فعلهای مرکب با ضمیر متصل؛</p> <p>– گروههای حرف اضافه‌ای؛</p> <p>– جمله‌های مرکب با بند متمم با فعلهای گوناگون، با «که» پنهان.</p> |
| عناصر صرفی | <p>– کسره اضافه «ی»؛</p> <p>– پیشوند فعل ماضی استمراری «می-»؛</p> <p>– نشانه «ی» تعجبی در ساخت «چه + گروه اسمی-ی»؛</p> |
| واژه‌های دستوری و نقشی | <p>– واژه‌میز عدد «تا»؛</p> <p>– حروف اضافه «برای»، «رو» / [روی]؛</p> <p>– واژه‌های قید تاکید «اصلاً»، «ها» (گفتاری)؛</p> <p>– واژه‌های قید اعتراض «آخه» / [آخر]؛</p> <p>– واژه‌های قید زمان «الان»، «یک دفعه»؛ «یواش، یواش» (گفتاری)؛</p> <p>– واژه‌های قید کمیت «خیلی»؛</p> <p>– واژه‌های فعلی «بیا» با مفهوم فعل «دعوت به شروع فعل» یا «شروعی»؛</p> <p>– واژه «فعل + ضمیر متصل»؛</p> <p>– واژه فعل امر، صورت گفتاری، «واستا» («بایست»)؛</p> <p>– واژه فعل وجهی «باید»؛</p> <p>– صورت فعل حال التزامی منفی اول شخص؛</p> <p>– صورت ماضی ساده سوم شخص مفرد «بود»؛</p> <p>– صورت فعل ماضی بعید اول شخص مفرد؛</p> <p>– حروف ربط «اگر»، «وقتی که»؛</p> <p>– واژه «ندایی» یا خطابی «آی»؛</p> |
| پیوندهای ساختی | <p>– ساخت گروه اسمی تعجبی «چه + گروه اسمی-ی»؛</p> <p>– ساخت گروه اسمی عددی «عدد + تا + اسم»؛</p> <p>– ساخت جمله شرطی با فعلهای زمان حال؛</p> <p>– ساخت جمله التزامی با ساخت «باید + فعل التزامی زمان حال»؛</p> <p>– ساخت جمله مرکب با بند قید زمان «وقتی که ...»؛</p> <p>– ساخت جمله «خطابی درخواست کمک»؛</p> <p>– فعلهای مرکب «به در زدن»؛ «درد + ضمیر متصل + گرفتن»؛ «نقاشی کشیدن»؛ «باران آمدن»؛ «روشن کردن»؛ «نشان دادن»؛ «ترس داشتن»؛ «دست کردن» («دست زدن»)؛ «حرف زدن» («گفتن»).</p> |
| عناصر صرفی | <p>– ضمیر متصل سوم شخص جمع «شون» [شان]؛</p> |
| عناصر صرفی | <p>– ضمیر متصل سوم شخص جمع «شون» [شان]؛</p> |

| | |
|--|---|
| روند رشد وندهای صرفی، واژه‌ها و پیوندهای ساختی | |
| عناصر صرفی | <p>– صورت ضمیر متصل دوم شخص «بِهت»؛</p> <p>– وند سببی «-ا»؛</p> |
| واژه‌های دستوری و نقشی | <p>– حرف پرسشی^۱ «چی» [چه]؛</p> <p>– حرف ربط زمان «وقتی» [وقتی که]؛</p> <p>– حرف ربط «آخه» [آخر] («زیرا»، «چون»);</p> <p>– حروف صوت («بیان احساس») («ای»، «آخ»);</p> <p>– حرف نفی «هیچ»؛</p> <p>– واژه قید «باز» («تکرار»);</p> <p>– صورت فعل حال التزامی منفی «داشتن»، «نداشته باش»؛</p> <p>– حرف وابسته کل «هر»؛ حرف ربط قید زمان «هر وقت» [هر وقت که]؛</p> <p>– صورت فعل امر «بودن»، «باش»؛</p> <p>– حرف ربط پرسشی «چی» [چه]/[که چی/که چه]؛</p> <p>– صورت فعل حال منفی؛</p> <p>– حرف اضافه «تا»؛</p> |
| پیوندهای ساختی | <p>– فعلهای مرکب «نگاه کردن»؛ «کار کردن»؛ «باز کردن»؛ «ببر کردن»؛ «کار داشتن»؛</p> <p>«رکاب زدن»؛ «خوش به حال ... بودن»؛ «سروصدا کردن»؛ «درس خواندن»؛</p> <p>– جمله مرکب با بند قید «منظور» یا «قصد»، با حرف ربط پنهان [تا]؛</p> <p>– جمله مرکب با بند موصولی «که» به دنبال فعل جمله اصلی؛</p> <p>– ساخت گروه اسمی صفتی گفتاری با حذف کسره اضافه؛</p> <p>– گروه اسمی «بیک کمی» («کمی»).</p> |
| عناصر صرفی | ۳۴-۳۶ ماهگی |
| واژه‌های دستوری و نقشی | <p>– حروف اضافه «با» («وسیله»)، «از» («عامل»);</p> <p>– فعل وجهی «می‌شود» («ممکن است»);</p> <p>– واژه قید تمثیل «مثلاً»؛</p> <p>– حرف صوت اعتراض «(ا)»؛</p> <p>– حرف اضافه «دور»؛</p> <p>– واژه قید پرسشی «مگر»؛</p> <p>– حرف نفی «هیچ»؛</p> <p>– واژه صفت پسین «چند»؛</p> <p>– واژه قید توضیحی «یعنی»؛</p> <p>– فعل وجهی «توانستن»؛</p> <p>– واژه صفت تعارفی «مبارک»؛</p> |

۱. حرف یا وابسته پرسشی در گروه اسمی، مانند نمونه: چه کار (رک. مشکوة‌الدینی ۱۳۷۹ ب: ۱۴۹).

| | |
|--|---|
| روند رشد وندهای صرفی، واژه‌ها و پیوندهای ساختی | |
| پیوندهای ساختی | <p>– فعلهای مرکب «ول کردن»؛ «زور زدن»؛ «گیر کردن»؛ «پا + ضمیر متصل + کردن»؛ «جا شدن»؛ «برواز کردن»؛ «سلام علیکم کردن»؛ «به درد خوردن»؛ «خوش + ضمیر متصل + آمدن»؛ «قربان + ضمیر متصل + رفتن»؛ – ساخت اضافه «گروه اسمی + - + ضمیر تاکیدی».</p> |
| ۳۷-۳۹ ماهگی | |
| عناصر صرفی | |
| واژه‌های دستوری و نقشی | <p>– واژه قیدی «هی» («به طور بیایی») – واژه قید پرسشی «چه جوری»؛ – واژه قید «تازه» («به علاوه») – واژه ضمیر پرسشی «چی» [«چه»]؛ – حرف تعجب «چی» [«چه»]؛ – واژه صفتی «دیگر» («اضافی») – واژه قید اعتراض «که»؛ – ضمیر مشترک تخصیص «مال»؛ – واژه قید زمان «حالا»؛ – واژه فعل «واستا» [بایست] («صبر کن») – واژه قیدی «اشتباهی»؛ – واژه فعل «بین» («ملاحظه کن»)</p> |
| پیوندهای ساختی | <p>– ضمیر مشترک «خودم» در جایگاه وابسته بدل؛ – حرف ربط دوتایی «یا ... یا ...»؛ – ساخت فعل بی‌شخص «باید + مصدر مرخم»؛ – ساخت گروه اسمی اضافه تاکیدی در جایگاه نهاد؛ – ساخت جمله بی‌نهاد «معلوم هست ...»؛ – صورت فعل امر فعل مرکب «دوست داشته باش»؛ – فعلهای مرکب «بدویدو کردن»؛ «صابون زدن»؛ «بشور بشور کردن»؛ «درس خواندن»؛ «عرق کردن»؛ «دست + گروه اسمی + شدن»؛ «روشن کردن»؛ «خاموش کردن»؛ «اجازه دادن»؛ «بو کردن»؛ «بو دادن»؛ «سلام کردن»؛ «له + ضمیر متصل + کردن»؛ «آمیول زدن»؛ «تن کردن»؛ «دنبال + گروه اسمی + گشتن»؛ «خیس کردن».</p> |
| ۴۰-۴۲ ماهگی | |
| عناصر صرفی | – شناسه دوم شخص جمع گفتاری «-ین» [-ید]؛ |
| واژه‌های دستوری و نقشی | – حرف اضافه «شکل» [به شکل] («شبیبه») |
| پیوندهای ساختی | – فعلهای مرکب «حوصله داشتن»؛ «پهن کردن»؛ «کم کردن»؛ «غلط کردن»؛ «خشک کردن». |

پیوست

نمونه‌های گفتاری

۲۳-۲۴ ماهگی (صورت رسمی در گفتار سخنگویان بزرگسال در داخل دو قلاب و توضیح و یا معنی در داخل دو هلال نشان داده شده است):

روزبه: مامانی بیا؛ بیا (به معنی «بگیر»); عمو بیا؛ نکن؛ ماشین بیا؛ تو (به معنی «تو بخور»); بشین؛ اوبی [روزبه] افتاد: آتیش خوبه [آتش خوب است]; اوتادم [افتادم]; نمی‌آم [نمی‌آیم]; بده؛ اوتوووس [اتوبوس] بگیر؛ حالش بده («حالش بد است»); مامان اومد [آمد]; چراغا روشنه [چراغها روشن است]; شلوار بیوشم؛ بیا؛ می‌شینم [می‌نشینم]; باشه [باشد] (در پاسخ); بشین؛ ماشین وردارم [بردارم]; ماشین بیا؛ می‌بندم [می‌بندم]; آبه [آب است]; چراغا نگا [به چراغها نگاه کن]; ساعت بیا؛ کلید دایی علی یه («کلید مال دایی علی است»); می‌رم [می‌روم] پایین؛ هودم [خوردم].

علی: بده من؛ مداد اون [آن] بالا؛ حیاط افشین زد («افشین مرا در حیاط زد»); بیو [برو] اتاق؛ کدایی [کجایی]؟؛ من اومدم [آمدم]; آی، نه، نکن؛ بابا بیم [بروم] پایین.

۲۵-۲۶ ماهگی

روزبه: مامان اومد [آمد]; ماشین کوش؟ («کجاست?»); بلد نیستم؛ کلید بیا؛ اینجاس [اینجاست]; رف [رفت] چراغ («به طرف چراغ رفت»); راحت بشینم؛ این ماشین کوک بکن؛ بلد نیستی؛ نخوام [نمی‌خواهم]; نوار دایی علی یه («نوار مال دایی علی است»); این تو («داخل این»); ماشین سوار بشیم [بشویم]; دارم کار می‌کنم (در پاسخ به «چه کار می‌کنی?»); داره [دارد] به تو می‌رسه [می‌رسد] مامانی اعظم؛ قطار مال تو؛ دیدی ماشین بوق زد؛ دیدیش؛ توام [هم] جای می‌خوای، آره [آری]؟؛ دایی علی، این ماشین خوشگل بود؛ دیدی؟؛ بشین [بشین] بازی کنم؛ نمی‌افتم؛ مال منه [مال من است]; می‌بندم؛ کلید مال دایی علی یه [مال دایی علی است]; کنش بیوشم؛ این تو بذار [بگذار]; چرا ماشین بوق می‌زنه [می‌زند]; خواستی بیفتم [می‌خواستم بیفتم]; ایدی [دیدیدی] آشغال ایخت [ریخت]; این بکرکه [بچرخد] («می‌خواهد فرفره را بچرخاند»); ماشین ازاون [آن] بالا بده؛ چراغ روشن بکن؛ مامان بیاره؛ این شواره [شلوار] خوبه [خوب است]؟؛ صبحانه بخورم؛ ماشین درست بکنم؛ خودم می‌ریزم؛ این طوری می‌کنم؛ من آم [هم] این طوری کردم؛ مشغوله (هنگامی که گوشی تلفن را برمی‌دارد و گوش می‌کند); آب بده («سیفون را بکش»); مال خودمه [خودم است]; دوس [دوست] داری؟ [با آهنگ خیزان]; بذار [بگذار] آشغال بریزم؛ آشغال ریختم؛

خودم آشغال بریزم؛ مداد تراش آشغال بریز (هنگامی که می‌خواهد آشغال داخل مداد تراش را بریزد).

۲۷-۲۸ ماهگی

روزبه: نگاه [نگاه کن] روش موش داره [دارد] (در بارهٔ عکس روی لباسش)؛ محکم بیا پایین (به پدر که در بالای نردبان است)؛ توره (را) به خدا؛ رف [رفت] چایی بیاره [بیاورد]؛ بده من ببرم؛ داره [دارد] مثل من ... می‌خونه [می‌خواند] («آواز می‌خواند»); دید ماشین بوق زد؛ قن [قند] ور بدارم [بردارم]؛ توام [هم] چایی می‌خوای [می‌خواهی]، آره؟؛ دایی علی این ماشین خوشگل بود، دیدی؟؛ این ماشین خوشگله [است]، من دارم؛ باتریش تموم [تمام] شد، دیگه [دیگر] بیداریم [بگذاریم]؛ بابایی داری کارات اُ [کارهایت را] می‌کنی؟؛ من اُم [هم] کارامو [کارهایم را] می‌کنم؛ اسب پا نداره [ندارد]، نگاش [نگاهش] کن («اسب اسباب‌بازی‌اش»); اسب را نمی‌ره [راه نمی‌رود]؛ تو سوار اسب بشو؛ من مثل دایی علی‌ام؛ من از کمد ترسیدم؛ نی‌نی سرش تکون [تکان] می‌ده [می‌دهد]؛ مامان دلم دلد [درد] گرفت؛ می‌رم [می‌روم] پیش عمو محمدرضا؛ من حالا گوش می‌کنم («به موسیقی»); کجا بذارم [بگذارم]؟ آره، همین تو کیف؛ می‌خوام [می‌خواهم] بکنم؛ نه، می‌خوام [می‌خواهم] بگم [بگویم] («در پاسخ به نگو»); خونهٔ [خانه] مامان جون [جان] دیشب رفتم؛ من می‌آم [می‌آیم] تو خیابون [خیابان]؛ با ماشینم می‌آم [می‌آیم]؛ من با دیدید («اتومبیل»); بابایی [بابا] رفتم، زود آمدم؛ کوکا اُم [هم] ما داریم تو شیشه («بطری»); راندگی می‌کنم؛ بابایی گردنش شیکسته [شکسته]؛ هوا خنک بشه [بشود]، من می‌رم [می‌روم] حیاط؛ فردا صب [صبح] می‌خرم بهت [به‌ات] می‌دم [می‌دهم]؛ فکر می‌کنم دایی افسیق تو حیاطه [حیاط است]؛ نمی‌خوایم؛ اون [آن] بیارم [بیاورم]؛ بدو وردار [بردار] («تلفن زنگ می‌زند»); حالت خوبه [خوب است] (به جای [حالم خوبه]، در پاسخ به «حالت چه طوره?»); بریم [برویم] هیابون [خیابان]؛ سوار بشم [بشوم]؛ چرا، مالِ عمویه [مالِ عموست]؛ بله، مالِ روزبه هه [مالِ روزبه است]؛ بدو بدو دایی علی رف [رفت]؛ خاموش شد («ماشین اسباب‌بازی خاموش شد»); خوایدم؛ رف [رفت] پیش اون [آن]؛ آب بیارم بخورم؛ دایی علی ترسیدم [از دایی علی ترسیدم]؛ صدای ماشین رخشویی یه [رختشویی است]؛ خب [خوب] در بیارم؛ داری می‌میری؟ (پس از گفتهٔ مادر بزرگش، «دارم می‌میرم»); منم [من هم] ماس [ماست] می‌خوام [می‌خواهم].

علی: ما در یک گاشق [یک قاشق] بده؛ مادر در-ببندم؟؛ بابا بیا جم [جمع] کن؛ بازی کنم من؛ ایاط [حیاط] بریم [برویم]؛ اتوبوسه [اتوبوس] سبار [سوار] بکنم («به اتوبوس سوار بشوم»); ای دگه [این قدر] پول داله [دارد].

روزبه: بیا پیش من بشین ماشین حساب ا [را] بین؛ ماشین حساب برای تو خریدم اصلاً ام [هم] نمی‌خوام بخوابم، ها؛ آگه می‌خوابم گریه می‌کنم؛ یک، دو، سه، چهار، پنج؛ هواپیما بود رو آسمون [آسمان] را [راه] می‌رفت؛ باید قرص بخوره [بخورد] تو «داخل» آب حل می‌کنیم می‌خوره [می‌خورد]؛ افتادم افتادم آی کمک (در حال بازی)؛ اصلاً آداس [آدامس] داری؟ بده سه تا بده؛ دایی علی کلید ماشین دایی علی رو [را] بده؛ تو به در می‌زدی؛ این ا [را] بیار اینجا دیگه [دیگر]؛ آخه [آخر] بیا بریم دیگه؛ وقتی که بیدار شدم دیگه بیدارم؛ می‌خواد [می‌خواهد] ورزش بکنه [بکند]؛ دردم می‌گیره [می‌گیرد]؛ می‌خوام برم خونه [خانه] مادر ماشین ام [هم] می‌برم تو خیابون «ماشین اسباب‌بازی»؛ یه دفه [یک دفعه] گف [گفت] بم [بمب]، یه دفه من ترسیدم؛ من الان یک نقاشی می‌کشم؛ چی [چه] بارونی [بارانی] می‌آد [می‌آید]؛ کولر روشن نکنی؛ من سه تا ماشین دارم؛ دوچرخه سوار شدم رفتم توی خیابون [خیابان]؛ استراحت می‌کرد خوابید؛ کولر ترس نداره [ندارد]؛ من از کولر خوشم می‌آد [می‌آید]؛ واستا [بایست] ببینمش؛ از گرما مردم، خیلی مردم؛ داری فضولی می‌کنی؛ یه [یک] بار دیگه [دیگر] دایی افشین نشون [نشان] بده؛ صدای ماشین دایی علی می‌آد [می‌آید] گوش کن از کوچه؛ مامانی تو اینجاایی؟ مامان پیام [پیام]؟ خب [خوب] کاغذ بده دیگه؛ بیا با هم بازی کنیم ماشین به هم بزنی؛ با ماشین ما اومدیم [آمدیم] خونه [خانه] شما؛ الان افتاده بودم؛ خودت بخور؛ مواظبش باشم؛ یواش یواش ورمی دارم می‌ذارم [می‌گذارم] توش «داخلش»؛ می‌ذارم [می‌گذارم] زیر بالش هر وقت خواستی بهت [به‌ات] می‌دم [می‌دهم]؛ مامانی چنگال ام [چنگال هم] به من می‌ده [می‌دهد]؛ دایی علی ام [هم] من ا [را] دهن بکنه [بکند]؛ ناخونام ا [ناخنهام را] بگیر؛ کیف مامانی اعظم را دس (دست) می‌زنم.

علی: بریم اتوفوس [اتوبوس] سوار بسیم [بشویم]؛ مامان نوسین نان [نوشین جان] زد؛ آب بازی بازی کنی؛ مسعود لو [را] بیدارش می‌کنم؛ این دگه [این قدر] هاک [خاک] می‌لیم [می‌ریزم] هوروسه [خروس] «این قدر روی خروس خاک می‌ریزم»؛ لباس می‌پوسم [می‌پوشم]؛ من ام [هم] لباسه [لباس] می‌خوام [می‌خواهم]؛ علوسک می‌خوام [عروسک می‌خواهم]؛ تباقا [کتابها] می‌خوام؛ مان منه [مال من است]؛ نندم [نمی‌دهم]؛ نخوام [نمی‌خواهم]؛ اون [آن] شیشه‌ها «بطریها» می‌سارم [می‌گذارم] اینجا؛ ات [یک]، دو، سه، سار [چهار]، پن [پنج]، شیس [شش]؛ بشینم [بشینم] رو جابرو بقی؛ اینو [این را] می‌خوام [می‌خواهم] بخورم؛ پنکه بذاریم [بگذاریم] «روشن کنیم»؛ اینجا رو میز بازی کنه [کنند] «اسباب‌بازی‌اش»؛ بکتمش این «سر عروسکش را بکنند»؛ نگیری از من؛ رفته تو دفتره «قطار اسباب‌بازی روی کاغدها رفته»؛ دنبالت می‌آم [می‌آیم]؛ می‌خوام بنویسم؛

می‌گم [می‌گویم] برو کنار؛ ها، دفتر برداشتی؟؛ عینک کوش؟؛ می‌خواهی این را؟ [می‌خواهی این را].
ان قد [این قدر] کیفیت سنگین [ه] ها بابایی؛ دایی علی دوست منه [من است]؛

علی: دست نکنم؛ حرف بد نمی‌زنم؛ این ا [را] گذاشتم کم؛ یه [یک] دفتر گنده («بزرگ») بده؛ یه
[یک] دفتر داری؟.

در این مرحله، از گفتار علی نمونه‌های بیشتری ثبت نشده است؛ تنها توضیح داده شده که
جمله‌های مورد نیازش را کم و بیش می‌سازد.

۳۱-۳۳ ماهگی

روزبه: فقط [فقط] نگا [نگاه] می‌کنم؛ حالا دایی علی من ا [را] می‌بره [می‌برد] نونایی [نانوایی]
چار [چهار] تا نون [نان] بخرم؛ دلم می‌خواد بگم [بگویم]؛ باید باتری بذاریم [بگذاریم] خودش
را [راه] بره [برود]؛ کلید ا [را] بده بابایی در ماشین ا [را] باز کنیم. من یک اتوی کوچولو داشتم؛
دیدم چی [چه] کار می‌کنم؟؛ نمی‌خواهی [نمی‌خواهی] بری؟؛ وقتی این ا [را] می‌زنی روشن می‌شه
[می‌شود] («کلید کولر»)؛ دایی علی می‌خواهی [می‌خواهی] بریم [برویم] خیابون [خیابان]؟؛ («با
آهنگ خیزان»)؛ من از این ور («طرف») می‌رم [می‌روم] تواز اون [آن] ور برو؛ خستگیم [خستگی‌ام]
بره [برود] («بازی را متوقف می‌کند»)؛ سر صدا [سروصدا] می‌کنه [می‌کند]؛ حالا بپر بیر بکنیم
خسته بشم [بشوم] بعد بخوابم؛ واستا [بایست].

۳۴-۳۶ ماهگی

روزبه: اصلاً تو هر کار دلت می‌خواد [می‌خواهد] بکن؛ هر کار من می‌کنم باز تو عصبانی می‌شی
[می‌شوی]؛ بابا هر کاری خودت می‌کنی به تو چه؛ این چیه [چیست]؟؛ مثلاً می‌ذارم [می‌گذارم]
تو جیبم به تو نمی‌دم [نمی‌دهم]؛ می‌خوام دکمه کوچیک پیدا کنم؛ می‌شه [می‌شود] من این ا [را]
بینم؟؛ [باباجون] جان [جان] داره [دارد] با من حرف می‌زنه [می‌زند]؛ ولش کن می‌خوام گردن خودم ا
[را] ببندم؛ این ا ببندم دور سطل آشغال؛ کار خوبی شد ...؛ باباجون ساعت چن [چند] می‌ری
[می‌روی]؟ این ا [را] باید به صندلی ببندیمش که نتونه [تواند] بره [برود]، خب [خوب]؛ این ام
[هم] لباس خودم، مبارکت باشه [باشد] که این ا خریدی؛ شلوارم ا [را] پام می‌کنم؛ مگه [مگر]
نگفتی می‌ریم [می‌رویم] خونه [خانه] باباجون؛ بابایی تموم [تمام] شد، زور زدم اومد [آمد]؛ بریم
[برویم] دور خیابونا بچرخیم با بابایی؛ تو چایم شیکر [شکر] بریز شیرین کنم؛ چیه [چیست] اون
[آن] پرواز می‌کنه [می‌کند]؛ ماشین تو آب گیر کرد یه [یک] اوتوبوس [اتوبوس] اومد [آمد] اون ا
[آن] را کشید؛ سلام علیکم بکن؛ من دوست دارم به مامانم بگم [بگویم] ...؛ از پله، ینی [یعنی]؟

(در پاسخ به «می‌افتی»): نه خوشم نمی‌یاد [نمی‌آید]؛ یک کاری نکنی خونی بشه [بشود]؛ دوس [دوست] دارم جا بشه [بشود] ...؛ ها داری ادای من اُ در می‌آری؟؛ من قربونت [قربانت] برم [بروم]؛ این مامانی اعظم چی به دردی می‌خوره [می‌خورد]؟؛ این کاغذا [کاغذها] به هیچ دردی نمی‌خوره؛ مستقیم کودوم [کدام] وره [«طرف» است]؛ نباد [نباید] حرف بد بزنم. یک کمی دیگه [دیگر] بپر بپر بکنیم؛ همین جا بازی کنیم؛ آخ دستم درد گرفت؛ تو باید ماشینای [ماشینهای] دایی علی را بدی؛ (بدهی)؛ هیچ چی [چیز] («پاسخ»): رفتم تو حیاط دوچرخه بازی کردم؛ تو باید تا ساعت شیش [شش] بیدار باشی بعد بخوابی؛ پشتم را بخارون [بخاران]؛ بیا برو وردار [بردار]؛ بیا خودت وردار؛ می‌خوام [می‌خواهم] باهت حرف بزنم؛ نه کاری ندارم؛ بین چی کشیدم؛ چرا لخت اومدی [آمدی]؟؛ برو شلوار بپوش؛ الان باز تو را [را] می‌ندازم [می‌اندازم]؛ می‌شه [می‌شود] بکنم از دیوار اون [آن] کاغذ از دیوار؛ من ام [من را هم] ببر دانشگاه درس بخونم؛ باباجون [جان] داره [دارد] نماز می‌خونه [می‌خواند]؛ هر دو چرخاش [چرخه‌اش] می‌چرخه [می‌چرخد]؛ بریم [برویم] حمام [حمام] دیگه [دیگر] وقت حمومه [حمام است]؛ بیا با همدیگه [همدیگر] درخت بکشیم؛ مامانی برم پایین یک کاری بکنم یه [یک] دقیقه بعداً می‌آم [می‌آیم]؛ سلام من خرچنگم («با دستش خرچنگ درست کرده»): خرچنگ دیگه [دیگر] رف [رفت] خونه‌شون [خانه‌شان]؛ کار نداشته باش (در پاسخ به «کار دارم»): پروانه هواپیما رو [را] کنیدیش [کنیدیش]؛ عینک مال راه رفتنه [راه رفتن است]؛ من بیرون خونه [خانه] تو پیاده‌رو رکاب بزنم تو پیاده‌رو دوچرخه‌بازی بکنم؛ نه، بشین تو اتاق خودت؛ مامانی هروقت تولدم شد اتوبوس می‌خریم؛ تو پیش من باش آخه [آخر] من تنهایی [تنهایی] / «تنها» [می‌شم [می‌شوم]؛ از اون [آن] شونه [شانه] خوشگلا [خوشگلهای] می‌خوام [می‌خواهم] که قرمز بود؛ می‌خوایم [می‌خواهیم] خونه [خانه] گلایا بریم [برویم] ای خوش به حالم؛ چن [چند] بار بگم نمی‌خوام [نمی‌خواهم].

۳۷-۳۹ ماهگی

روزیه: ... تازه خودش ام [هم] بزرگه [بزرگ است]؛ من خودم بستم؛ آخه [آخر] من چه قد [قدر] بدویدو می‌کنم؛ صابون بزنم بد [بعد] بشور بشور کنم؛ آخه تو هی («به طور پیاپی») نباید درس بخونی [بخوانی]؛ چی [چه] عرق کردم؛ دست خودت نمی‌شه [نمی‌شود]؛ صورتش چی [چه] شده؟؛ مامانی اعظم اگه [اگر] تلویزیون روشن کنی [بکنی] چراغ خاموش کنی من می‌ترسم؛ مامانی اعظم من اُ [را] دوست داشته باش؛ باباجون [جان] این اُ باید چه جوری بکنم؟؛ حالا اجازه می‌دین [می‌دهید] کیفمون [کیفمان] اُ [را] بذاریم [بگذاریم] اینجا؟؛ اُ [واستا] [بایست] ببینم؛ بیا بو کن بین چه بویی می‌دم [می‌دهم] ...؛ یا بدمزه‌اس [است] یا ترشه [ترش است]؛ هما خانوم [خانم] آمده، تو نمی‌آی [نمی‌آیی] سلام کنی؟؛ روزبه کوچولو [کوچولوست] باید له‌اش کرد؛ باید برم [بروم] یگ

[یک] گوریل دیگه [دیگر] بخرم؛ بین باباجون [جان] دستم اُ [را] آمپول زد؛ مامانی اعظم کاشتم [کاپشتم] اُ [را] بده تنم کنم خب [خوب] تو اتاق دایی افشین سرده [سرد است] سرما می خورم؛ به من چه ربطی داره [دارد] مال کاپشن ورزشی یه [است]؛ کوش اون [آن]؟ دنبال اون می گردم؛ معلوم هست چی می گی [می گویی]؟! خودت داری که!؛ می خواستم بگم [بگویم] دایی علی، اشتباه، اشتباهی گفتم بابایی؛ چرا خیس می کنه [می کند] دمپایی بام [دمپاییام] اُ [را]؟! تو دستت درازه [دراز است]؛ یکی مال درس خوننده [خواندن است] یکی مال راه رفته [راه رفتن است]، («عینک»).

۴۰-۴۲ ماهگی

روزبه: تو برو دیگه [دیگر] من حوصله ندارم بیام [بیایم]؛ مثل اون [آن] وقت که فرش اُ [را] آوردیم تو حیاط فرش اُ پهن کنیم روش ماشین بازی کنیم؛ دایی علی صداس اُ کم کن می خوام [می خواهم] بخوابم؛ پیاده بریم [برویم] خونه [خانه] مادر؛ غلط می کنه [می کند] ور می داره [برمی دارد]؛ خب [خوب] شما گفتین [گفتید] من چی [چه] بگم؟! هرکی با حوله خودش خش [خشک] کرد؛ خواستم سنجاق وردارم پیدا نشد؛ تو رو [را] می برم تو [توی] دریا غرق بشی [بشوی]؛ شکل آقای پلیس شدم.

علی: بیا پدرش رو [را] در بیار زود؛ ورش دار ببینمتس؛ آی ما فرار کنیم قایم بشیم [قایم بشویم]؛ آقا معلم جدیدمون [جدیدمان] گفته شما باید چی ... فارسی بخونین [بخوانید]؛ بابا همه [همه] بلیتا [بلیتها] رو [را] بدین [بدهید]، اگر پاره شد پولش اُ [را] می دم [می دهم]؛ این اُ من کشیدم تو نباید خرابش بکنی؛ من این اُ از دوستم گرفتم دادم به نوشین؛ هولم نده؛ بعد چرخ دندهش خراب شده بود بعد واگن تصافت [تصادف] شد بعد آمد ...؛ چرا نوشین خراب کردی تریلی افشین اُ [را]؟! افشین حرص نخور؛ تو پول بده تا بچه خوبی باشم؛ مامان دیگه [دیگر] نباید سر صبح دوا بدی [بدهی] ها!

کتابنامه

- Berman, R., 1988. "Word Class Distinctions in Developing Grammars", in Levy et al.(eds.), 1988. *Categories and Processes in Language Acquisition*. London: Earlbaum. pp. 45-72
- Braine, M. D. S., 1971. "The Acquisition of Language in Infant and Child", in C. E. Reed (ed.), *The Learning of Language*. New York: Appleton-Century-Crofts. pp. 7-95.
- Brown, R., 1973. *A First Language: The Early Stages*. London: George Allen and Unwin.
- Bryen, D. N., 1986. *Inquiries into Child Language*. USA: Allen & Bacon Inc.
- Elliot, A. J., 1981. *Child Language*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Garton, A., & Pratt, C., 1989. *Learning to be Literate, the Development of Spoken & Written Language*. Oxford: Basil Blackwell Ltd.
- Greenfield, P., Reilly, J. Leaper, C., and Baker, N., 1985. "The Structural and Functional Status of Single-Word Utterances and Their Relationship to Early Multi-Word Speech", in Barrett, M. D. (ed.), 1985 *Children's Single-Word Speech*. New York: Wiley, pp. 233-267.
- Littlewood, W. T., 1984. *Foreign and Second Language Learning*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Maratsos, M., 1982. "The Child's Construction of Grammatical Categories", in Wanner and Gleitman (eds.), 1982. *Language Acquisition: the State of the Art*. Cambridge: Cambridge University Press, pp. 240-266.
- McNeill, D., 1966. "Developmental Psycholinguistics", in *The Genesis of Language*. F. Smith and G. A. Miller, 1966. Massachusetts: The M. I. T. Press.
- Radford, A., 1990. *Syntactic Theory and the Acquisition of English Syntax*. New York: Basil Blackwell.

مشکوٰه‌الدینی، مهدی، ۱۳۸۰. «گفتار و دستور زبان آغازی با توجه به کودکان فارسی زبان»، در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، ص ۴۴۷-۴۷۸.

مشکوٰه‌الدینی، مهدی، ۱۳۷۹ الف. توصیف و آموزش زبان فارسی. مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

مشکوٰه‌الدینی مهدی، ۱۳۷۹ ب. دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری. مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

واژه‌نامه

| | |
|---|---------------------------|
| merge (operation)/construction | پیوند ساختی |
| early grammar | دستور زبان آغازی |
| approximating/developing grammar | دستور زبان پیشرفتی |
| early utterances/speech | گفتار آغازی |
| approximating/developing speech | گفتار پیشرفتی |
| telegraphic speech | گفتار تلگرافی؛ گفتار مقطع |
| holophrastic utterance/holophrase/single-word utterance | گفتار تک‌واژه‌ای |
| grammatical speech | گفتار دستوری |
| word category/lexical category | مقوله واژگانی، دسته‌واژه |
| inflection | وند صرفی |